

عصر پسا کرونا، چالشها و ابتکارات دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

سیدوحید یعقوبی^۱

چکیده

از آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی دیری نمی گذرد که مفهوم نوینی به نام "پسا کرونا" پا به عرصه وجودی ادبیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نهاده است، همه گیری کرونا با هجمه به بسیاری از کشورهای جهان توانست طی چند ماه، چنان بر احوال بشر هزاره ی سومی مستولی یابد که نتوان نامی جز دشمن نامرئی بر او نهاد. شیوع غافلگیر کننده آن به مثابه انداختن لجامی بود بر پیکره ی انسان عصر ارتباطات که حتی او را از فکر چاره در مانده ساخت. اما تاریخ کم از این بحرانها از سر نگذرانیده و آدمی را جز مبارزه و ادامه حیات علاجی نبود.

در غالب امور از منظر دولت ها و ملت ها، شیوع کرونا به عنوان یک پدیده متحول کننده در آینده بشر شناخته می شود. تقدیر اقتصاد در درجه اول سپس سیاست، اجتماع و فرهنگ در دایره این بحران نهفته است. امری که نیازمند یک بازتعریف است تا این چنین شاهد دورانی در فراخنای پیش روی انسانها، به نام عصر "پسا کرونا" باشیم. در این فراسو سیاستهای فرهنگی از این قاعده مستثنی نخواهند بود امری که سبب خواهد شد سیاستگذاران نیز روش های کنونی خود را با تغییرات جهانی حاصل از این پدیده وفق دهند، چنانچه در این چشم انداز و در عرصه بین الملل این موضوع دگرگونی و تحول از جهاتی اهمیتی دو چندان خواهد یافت. دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران، ناظر به جهانی سازی و نظم نوین جهانی با تعاریف و معیارهای خود در این محدوده و در مقابله با این چالش جهانی نیازمند یک راهبرد متکی بر ابتکار و خلاقیت است که بتواند علی رغم تاثیرات منفی اقتصادی و سیاسی حاصل از آن، این تهدید بشری را نیز به فرصتی مطلوب تبدیل نماید. در این نوشتار با بیان چند جنبه از نظریه های مرتبط با دیپلماسی فرهنگی و شیوع کرونا به تشریح و تبیین چند راهکار، پیشنهاد و ابتکار پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، پسا کرونا، جهانی سازی، همه گیری جهانی کرونا، قدرت نرم

^۱ دکترای تخصصی "مرکز ایران و فرانسه" در پاریس

مقدمه

دیپلماسی فرهنگی امروزه به عنوان یکی از مولفه های "قدرت نرم" در عرصه تبادلات بین الملل شناخته می شود، چنانچه در این بین، عنصر فرهنگ و ارکان آن از جمله ملزومات دولتها در امر سیاست خارجی به شمار می آیند. در این باره اگر چه سازوکار این نوع از دیپلماسی بر اساس موقعیت های فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی و بویژه اقتصادی یک کشور محاسبه می گردد اما در دهه های اخیر روند جهانی سازی به گونه ای طی مسیر نموده که همه ی مولفه های از پیش تعیین شده ی خود را تحت تاثیر قرار داده، تا آنجا که دولتها را بر آن داشته تا اهمیت چند جانبه گرایی و تعاملات دوسویه را بر منش یکجانبه گرایی و نیت نفوذ، بیش از گذشته مورد توجه قرار دهند. قرار گرفتن مفهوم تنوع فرهنگی به جای تمایز فرهنگی در ادبیات دیپلماسی فرهنگی، کاربرد الگوی شبکه ای به جای الگوی سلسله مراتبی را می توان از نمونه های ملموس این تغییرات دانست. در این کارزار اما با مفهوم جدیدی دیگری به نام "صحنه بین الملل" نیز روبرو هستیم که از این منظر سنجش قدرت نرم در عرصه فرهنگی با میزان ایفای نقش کشورها و قدرت دولت ها در این صحنه مورد ارزیابی قرار می گیرد. برای نمونه ژاک شیراک^۲ رئیس جمهور وقت فرانسه در یکی از سخنرانی هاش زمانی که به صراحت از اطمینان خود در سازماندهی جهان و نقش مهم چند قطبی و چند جانبه گرایی سخن می گفت^۳ پس از چندی بارها با توصیف این عرصه ی رقابت و ایفای نقش کشور فرانسه، با تشریح این روند تاکیدی چند باره بر مولفه "نزاع" داشت^۴ موضوعی که البته در نظر سایر دولتها و قدرتهای جهانی نیز مورد توجه است تا هریک با ایفای نقش حداکثری بتوانند سهم بیشتری را برای خود قائل باشند. همین نزاع پنهان را در عرصه بین الملل نیز می توان بیشتر در آنجایی دریابیم که اساسا بدانیم جبهه گیری فرهنگی در کشورهای

^۲ Jacques Chirac

^۳ سخنرانی ژاک شیراک در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۳

^۴ سخنرانی در مجمع فرانسه و چین در تاریخ ۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

اروپایی نظیر فرانسه غالباً بر اساس تقابل با نفوذ فرهنگی آمریکا شکل گرفت تا جایی که با تقویت شبکه فرهنگی خود بر اساس اعتبار نهادها و سازمانهای فرهنگی و هنری، سیطره نفوذ آنرا تا آمریکای لاتین هدف گذاری نمودند. همین مسئله را همچنین می توان در توصیف توماس هابز^۵ دریافت که ابراز می دارد دولتها در این روند اسحله ها را نیز به هم نشانه می روند و خیره در چشمان یکدیگر حالت رزم به خود می گیرند (Hobbes, 1971:126). نزاعی که اکنون باید گفت یقیناً شکل دیگری به خود خواهد گرفت، زیرا بحران کرونا در آن بی تاثیر نخواهد بود و بسیاری از پارادایم های این جنگ پنهان را متحول خواهد کرد.

طی چند دهه اخیر اما از سوی دیگر غالب مسائل این حوزه در سایه تحولات متنوع و بنیادین نظام بین الملل همراه با ظهور و افول قدرتهای جدید شکل دیگری به خود می گیرند، نظیر آنچه که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روی داد تا فرهنگ از ابزاری در خدمت سیاست خارجی (فرهنگ قدرت) به منبعی برای تولید قدرت در عرصه روابط خارجی (قدرت فرهنگ) تبدیل شود (افتخاری، ۱۳۸۶: ۱۳۹). یا اتفاقات و پدیده های گوناگونی که هر چند یک بار مؤلفه های تشکیل دهنده قدرت را دستخوش تعدیل و دگرگونی قرار می دادند. شیوع کرونا در آغازین روزهای سال ۲۰۲۰ میلادی را می توان در زمره یکی از همان اتفاقات مهم عصر حاضر دانست. رویدادی که به زعم صاحب نظران و تحلیلگران و برخی مقامهای بلند پایه اروپایی و آمریکایی دست کمی از وقوع جنگ های جهانی نداشت. تشبیهاتی نظیر جنگ جهانی سوم و مقابله ی جهانیان با این ویروس کشنده نشان می دهد تا چه اندازه این پدیده توانسته تمامی ارکان های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولتها را تحت تاثیر خود قرار دهد. به تعبیر فردریک پیوتتا^۶ این بحران رعد آسای کووید ۱۹ چیزی جز یک شکل نوین جنگ جهانی نیست، جنگی با تمام خصوصیات اقتصادی و اجتماعی، وی اذعان می دارد این اولین جنگ مدرن است که با بشر مقابله می کند چنانچه باید در ادامه ی مسیر یقیناً در بسیاری از ساختارها از

⁵ Thomas Hobbes

⁶ Frederic Pivetta

نقطه نظرات گوناگون به تغییر و تحول پردازیم. (Pivetta / 2020). در تعبیر دیگر نیز استفان اودوآن روزو^۷ مورخ و متخصص جنگ جهانی اول نیز پاندمی کووید ۱۹ را مشابه اولین جنگ جهانی می داند که از آن به عنوان دشمن نامرئی یاد می کند (-Audoin Rouzeau / 2020). این حجم تاثیر از این پدیده در ابعاد گوناگون که توانست بسیاری از دولتها و ملتها را برای هفته ها به قرنطینه بکشاند و غالب فعالیتهای اقتصادی آنان را برای مدت ها زمین گیر سازد بر کسی پوشیده نیست اما از سوی دیگر اظهار نظر قریب به اتفاق کارشناسان امر در خصوص تحول و تغییر در دوران بعد از کرونا می تواند قابل تامل باشد. تعبیر " باز تعریف نظم نوین جهانی " از سوی مجله معتبر فرانسوی لوموند^۸ در سرمقاله آن حاکی از روند تغییرات و بازسازی بسیاری از تئوریهها و روشهای پیشین دولتهاست، چنانچه آمده است "بحران سلامت عمیقاً روابط بین قدرتهای اصلی را تغییر می دهد. در این شرایط، اروپا اگر بخواهد وزنی داشته باشد لاجرم باید شروع به ساماندهی در جهت بازسازی خود نماید" (Le monde / 2020). از این حیث سخن از تغییر پارادایم ها و تحولات بنیادین در ژئوپلتیک، پویایی و شتاب در مسیر تغییرات ارکان نظم جهانی دقیقاً از آنجایی بر می آید که در پس تمامی سخنان رهبران کنونی جهان می توان ردپایی از اثر بخشی عمیق این پدیده بر بشریت یافت. سخنان امانوئل ماکرون^۹ رئیس جمهور فرانسه که به صراحت از آن به عنوان یک جنگ تمام عیار نام می برد^{۱۰} و یا مقایسه جانسون^{۱۱} نخست وزیر انگلیس از این پاندمی با جنگ جهانی دوم (www.rtf.be/ 2020) و یا تعبیری که آنگلا مرکل^{۱۲} صدراعظم آلمان از آن به عنوان بزرگترین چالش بعد از وقوع جنگ جهانی دوم داشت (www.ledroit.com / 2020) همگی شاهدی بر این مدعاست که بشر با پدیده ای کم سابقه روبروست که باید رفته

⁷ Stéphane Audoin-Rouzeau

⁸ Le monde

⁹ Emmanuel Macron

^{۱۰} این سخنرانی در تاریخ ۱۶ مارس ۲۰۲۰ و به عنوان اولین بیانیه رسمی دولت در آغاز قرنطینه سراسری در

کشور فرانسه شناخته می شود. قابل مشاهده در سایت رسمی کاخ ریاست جمهوری الیزه

¹¹ Boris Johnson

¹² Angela Merkel

رفته در بسیاری از محاسبات آتی خود تجدید نظر نماید و به بازتعریف مولفه های کنونی قدرت پردازد.

اما گذشته از تاثیر گذاری این ویروس مخرب بر سایر حوزه ها که خارج از موضوع این نوشتار است، پدیده کرونا را می توان در راستای دگرگونی های بنیادین در عرصه سیاست گذاری های فرهنگی نیز بررسی نمود، چه در عرصه داخل و چه بین الملل دولتها یقیناً روشهای سابق خود را با تاثیرات اقتصادی و اجتماعی متاثر از این پدیده انطباق خواهند داد و البته حوزه فرهنگ به عنوان عنصری وابسته، از این دگرگونی ها دور نخواهد ماند، چنانچه دست اندرکاران و متولیان امر را بر آن خواهد داشت که منطقاً تاکتیک ها و روشها خود را مورد بازبینی قرار دهند.

در این چشم انداز ما نیز در این مقاله به بررسی چالشها، فرصتها و ابتکارات دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین الملل، نظم نوین جهانی و روند جهانی سازی در عصر پساکرونا خواهیم پرداخت و با بیان برخی راهکارهای ممکن، سعی در تبیین این موضوع خواهیم داشت.

چارچوب نظری

۱. قدرت نرم

در مکتب کلاسیک روابط بین الملل، "قدرت" توانمندی یک بازیگر در تحمیل اراده های خود به دیگران تعریف می گردد (Aron, 1962:16-17). از این روی و به موجب بازیگران متعدد این عرصه و تعامل بین آنها، مفهوم آن می تواند نسبی تلقی گردد (Courmont, 2018:19) و از سوی دیگر مدام در حال تغییر و تشکیل لایه های پیچیده و حتی پنهان باشد چنانچه در ابتدای دهه نود میلادی با ارائه دو ویژگی نرمی و سختی و تمایز آنها با تاکید بر چند وجهی بودن عنصر قدرت توسط جوزف نای^{۱۳} در می یابیم بر اساس معیار های کلاسیک، عناصر آشکار نظیر قدرت سیاسی و یا نظامی محض، لزوماً مورد توجه قرار نمی گیرند (ibid) و بازیگران دیگری می توانند به این عرصه پا

¹³ Joseph Nye

نهند. مفهوم جوزف نای از قدرت نرم در درجه اول برای تصمیم گیرندگان آمریکایی دهه های گذشته در نظر گرفته می شود تا آنها بتوانند سیاست خارجی خود را با چالش های جهانی سازگار کنند، اما این مسئله به موجب بروز بازیگران جدید در صحنه بین الملل در حال تحول است (Martel, 2012). بنابراین در همین ابتدای امر باید دانست این بستر در مسیر تحول، روز به روز شتاب بیشتری می گیرد که خود می تواند تاکیدی باشد بر اهمیت به روز رسانی مدام. از این جهت ورزیدگی دیپلماسی فرهنگی هر کشوری در میانه های بحران های رعد آسا، به مثابه برگ برنده ای در عرصه های بین المللی خواهد بود.

قدرت نرم در اصل بر انگاره های ایدئولوژی، هنجارها، ارزش ها، نهاد های سیاسی، اعتبار اخلاق و فرهنگ متکی است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۵) با این فرض، از آنچه که ما تاکنون از بحران کرونا دریافته ایم، تغییراتی خواهد بود که در برخی ارکان این نوع از قدرت پدید خواهد آورد چنانچه از این پس، نقش همه گیری جهانی کرونا را باید به عنوان یک بازیگر جدید در این عرصه پذیرفت. برای نمونه ارزشها درست در جایی که بودجه و هزینه های کلان یک دولت و ملت در بخشهایی نظیر تسلیحات نظامی مصروف آنست، پس از کرونا مرتبه تخصیص های مالی در امر بهداشت، آموزش و تحقیقات دست کم چند پله صعود خواهد کرد و در این مسیر قطعا انگاره های ایدئولوژی مطرح حال حاضر، در برابر آسیب پذیری بشر کنونی علی رغم همه پیشرفتهای علمی و ارتباطی به مرور زمان به چالش کشیده خواهد شد و این به خوبی نشان خواهد داد این پدیده فراگیر جهانی چگونه می تواند پنجه در پنجه ی بازیگران اصلی و فرعی، آشکار و پنهان این قدرت نرم افکند.

۲. عصر پسا کرونا

در ابتدا ضروریست به تشریح ماهیت این پدیده بپردازیم. اولین سوال اساسی در این رابطه، عنوان همه گیری جهانی (پاندمی)^{۱۴} است که به آن اطلاق می گردد. بر اساس

¹⁴ Pandémie

تعریف سازمان بهداشت جهانی، اپیدمی^{۱۵} به شیوع گسترده منطقه‌ای یک بیماری گفته می‌شود که در آن افزایش ابتلا به یک بیماری معمولاً ناگهانی بوده و به طور غیر منتظره‌ای گسترش می‌یابد. اما پاندمی شیوع یک بیماری جدید است که در تمام جهان افراد زیادی را درگیر می‌سازد. اگر چه هر دو واژه اپیدمی و پاندمی در گسترش ویروس کرونا استفاده می‌شود اما در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۲۰ مدیرکل سازمان بهداشت جهانی به این علت که همه گیری آن در سطح جهان گسترش یافته و شیوع آن در بیش از ۱۰۰ کشور گزارش شده است از این جهت با هدف ارزیابی مداوم از گسترش جغرافیایی ویروس و تاثیر آن بر جوامع و در نهایت کنترل، لفظ همه گیری جهانی (پاندمی) بدان اطلاق گردید (www.who.int/ 2020). بنابراین از این نقطه نظر یعنی بعد جهانی و جغرافیای وسیع و اثر گذاری آن در سطح بین الملل، می تواند مورد توجه بخشهای سیاستگذاری یک دولت در عرصه جهانی باشد.

اغراق نیست اگر جهان معاصر را بتوان به دو نیمه قبل و بعد کرونا تقسیم کرد، صرف نظر از تغییرات گسترده در اقتصاد و سیاست و جابجایی قدرتها، تحولات اجتماعی و رفتاری انسانها یکی از همین تمایزها خواهد بود چنانچه بازتعریف پیوند مابین علوم مختلف، انسان، طبیعت، دین و جامعه ضروری خواهد بود و خروج از عناصر سنتی، یافتن ایده آل های نوین، ایمن سازی، زندگی دیجیتال، فضای مجازی، امنیت سلامت در زمره این تحولات قرار خواهند داشت. آینده جهان پس از کرونا متفاوت خواهد بود، از سویی دیگر اما صرف نظر از فرضیه ها و تحلیل های گوناگون که در خصوص این آینده از سوی صاحب نظران بیان می شود که گاهی نیز با یکدیگر نتایج متفاوتی هم دارند، در این میان کسانی هم هستند که چشم خود را به سوی آینده ای جدید موسوم به آینده پساکرونایی گشوده اند. اینان برای اقتصاد آتی، نظام تعاملات بین المللی، محیط زیست در معرض تخریب، تولید و مصرف فرهنگی، مهاجرت های بین المللی، جنگها و صلحها و دیگر موارد، نسخه بدیل عرضه داشته اند؛ بدین ترتیب، هر چه زمان جلوتر می رود مقالات و جستارهای بیشتری با عناوین جهان پس از کرونا یا در جهان پساکرونایی

¹⁵ Épidémie

منتشر، ترجمه و اطلاع رسانی می شود در این چارچوب، برخی از اندیشمندان جهان، بازگشت به گذشته را غیرممکن می دانند و با تخمین پایداری بیشتر این همه گیری در سطح جهان، تحولات حوزه های مربوط به آنرا اجتناب ناپذیر می پندارند. آنها برخلاف دسته نخست، به تغییراتی احتمالی می اندیشند که در ارتباط با پیشه ی خود روی خواهد داد؛ تغییراتی در حوزه آموزش، پژوهش، پرورش و مهارت و ... (ماحوزی، ۱۳۹۹: ۱۳۸). اما با همه این تفاسیر از تنها مورد قطعی که می توان سخن به میان آورد اعتقاد هنری کیسینجر^{۱۶} است که می گوید "جهان، بعد از ویروس کرونا هرگز مانند قبل نخواهد بود" (ذاکر صالحی، ۱۳۹۹: ۸۰). باری تغییرات، "اکنون در جوار و در درون تاریخ ما در جامعه ما، در زندگی و در درون تک تک ما در حین رخ دادن هستند و مائیم که باید آن را بفهمیم و مسائل آن را برساخته یا منکشف سازیم. یک تاریخ هم اکنون در حین رخ دادن است و تاریخی نیز به زودی رخ خواهد داد که اکنون آن را پساکرونا می نامیم" (خلیلی، ۱۳۹۹: ۱۰۲).

۳. جهانی سازی، نظم نوین جهانی و چند جانبه گرایی

گلودبلاط و پراتون^{۱۷} جهانی سازی را به عنوان "فرایندی" یا مجموعه ای از فرآیندها تعریف می کنند که نشان دهنده تحول در ساختار روابط و معاملات اجتماعی با هدف ایجاد جریان و تعامل در قدرت های بین قاره ای یا بین منطقه ای است (McEwen, 2017:2) از این نقطه نظر، این فرایند منجر به ادغام تدریجی فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سراسر مرزهای ملی خواهد گردید و سپس بدل به یکی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر مفهوم هویت و بحرانِ هویت می گردد. دیپلماسی فرهنگی به طور عادی در برابر این فرایند با چالشهایی روبرو است اما این رویارویی زمانی دشوارتر خواهد بود که این فرایند با تلاطم های متاثر از بحرانهای گوناگون مواجه باشد و ابراز داشت نظم نوین جهانی و به طبع آن چند جانبه گرایی نیز از این امواج سهمگین بی

¹⁶ Henry Kissinger

¹⁷ Glodblatt et Perraton

نصیب نخواهند بود. کرونا یکی از همین تلاطم‌هاست، به باور پاسکال بروکنر^{۱۸} فیلسوف مقوله جهانی سازی پس از همه گیری جهانی کرونا با قبل خود متفاوت خواهد بود (Bruckner / 2020). از این حیث کشورها کوشش خواهند کرد که در نظم نوین جهانی به دنبال مطلوب خود باشند و در عرصه سیاست بین الملل و در میانه های هر بحران، کشوری به این مهم دست خواهد یافت که بتواند راه کارهای مناسبتر و بهتری در چاره گشایی آن ارائه دهد. با کرونا تردیدها و چالشها در نظم نوین جهانی فزونی یافته چنانچه کشورهای مدعی این نظم نوین نظیر ایالات متحده آمریکا در مصاف با این همه گیری عملکرد مناسب و متناسبی با وجهه ی خود نداشته و در عوض برخی بازیگران رقیب به ایفای نقش سازنده تری پرداخته اند. برای نمونه چنانچه اگر دهه ۱۹۹۰، فرصتی طلایی برای نفوذ فعال آمریکا در جهان تعمیق هژمونی خود بر نظام بین الملل تلقی شود اما از سوی دیگر اتفاقات و بحرانها سالهای اخیر و نهایتاً کرونا را باید در راستای افول آن دانست. این موضوع از نگاهی دیگر برای سایر بازیگران عرصه بین الملل به مثابه یک فرصت خواهد بود، بشیر حبیب الله^{۱۹} در مقاله خود در (Tribune diplomatique internationale) با عنوان "ویروس کرونا پایان اتحادیه اروپا، به سمت نظم نوین جهانی، فرصتی برای آفریقا و خاورمیانه" دقیقاً به همین موضوع اشاره می دارد که چرخه تحولات در پیش رو فرصت مناسبی در جهت سرمایه گذاریها اقتصادی، سیاسی و مسائل بین الملل کشورهای آفریقایی و خاورمیانه می تواند باشد (Habiballah / 2020). در تعبیر دیگر نیز مهبوبانی^{۲۰} در مقاله ای در این زمینه اذعان می دارد تاریخ در یک نقطه عطف قرار دارد و می افزاید پاسخ نامناسب غرب به همه گیری کرونا، انتقال قدرت به سمت شرق را تسریع خواهد کرد (Mahbubani/ 2020). اما در این بین پرسش اساسی دیگری که نظر اغلب تحلیل گران را به خود جلب نموده است حول مصاف کرونا و جهانی سازیست، شک و انگاره های تردید گونه در این

¹⁸ Pascal Bruckner

¹⁹ نویسنده و تحلیل گر سیاسی الجزایری Bachir Habiballah

²⁰ دیپلمات سابق سنگاپوری و موسس مدرسه سیاست های عمومی لی کوآن یو Kishore Mahbubani

خصوص نشان می دهد یکی از اثرات بنیادین این پدیده به نقد کشاندن موضوع چند جانبه گرایی است، کوهن تانوگی^{۲۱} در مقاله خود در اکتوبر^{۲۲} می نویسد، بحران کرونا برای ما یادآور ضرورت همکاری های بین المللی و چند جانبه گرایی است و اشاره می کند بحران جهانی و بی سابقه ای که کره زمین با آن روبروست، بسیاری از سؤالات مربوط به نظم ژئوپلیتیکی را ایجاد می کند، که پرداختن به چالشهای مربوط به آن می تواند مفید باشد، چالشهای اساسی که بین تعهد در همکاریهای بین المللی و یا ترک آن در حال شکل گیری است (Cohen-Tanugi / 2020). بنابراین از این نقطه نظر یعنی تغییر وضعیت کنونی و جابجایی پارادایم ها، در عرصه سیاستهای فرهنگی نیز اقتضائاتی را می طلبد که دستگاه دیپلماسی هر کشوری یقیناً باید به دنبال پاسخ های مطلوب آن باشد.

۴. سیاست گذاری های فرهنگی بین الملل و دیپلماسی فرهنگی ج.ا ایران

مفهوم حاکم بر دیپلماسی فرهنگی با تشبیه آن به یک قدرت نرم در عرصه بین الملل که متأثر از سیاستهای کلان ملتهاست از ویژگی هایی چون چند جانبه گرایی و جهانی سازی برخوردارست، از این روی مفاهیمی نظیر تعاملات دوسویه، ساختار شبکه ای، خروج فرهنگ از انحصار دولت ها، ارتباط متقارن، از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. ساموئل هانتینگتون^{۲۳} در کتاب "برخورد تمدنها" تأیید می کند که دیپلماسی دیگر محدود به استفاده انحصاری دولت ها نیست، زیرا با روی کار آمدن بازیگران جدید، افراد، نهادها، انجمن ها، تئاترها، مدارس و... باید دانست فرهنگ از روابط بین دولتی جدا خواهد شد و نقش ملتها بیش از گذشته پررنگتر خواهد بود (Huntington, 2000:28) و درست در جایی که گیفورد مالون^{۲۴}، دیپلماسی فرهنگی را معماری یک بزرگراه دوطرفه به منظور ایجاد کانالهایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزشهای یک ملت

^{۲۱} نویسنده و وکیل بین الملل Laurent Cohen-Tanugi

^{۲۲} Les Echos

^{۲۳} Samuel P. Huntington

^{۲۴} Gifford Malone

می داند (Malone, 1988:12)، در خواهیم یافت دیپلماسی عمومی نوین که به یک فعالیتِ گفتگو محور مبتنی بر مدل ارتباطات متقارن دوسویه تبدیل شده است از تبلیغات فراتر می‌رود و به جای تمرکز بر مدیریت تصویر، به گفتگو و تعامل متقابل توجه دارد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۶۱)، این موضوع در مقابل دیپلماسی عمومی سنتی خواهد بود که اصولاً تصویر محور به شمار می‌رود و با اتکا بر مدل ارتباطات نامتقارن و یک سویه دولتها می‌کوشد تا تصویری مثبت از یک کشور در خارج از قلمرو آن ایجاد کند.

در این سازوکار اما باید بازیگران و مولفه های دیگری را هم افزود، بازیگران جدید (رسانه های دیجیتال)، موضوعات جدید (تأثیر فنی)، اهداف فرهنگی نوین (دانشجویان خارجی در سراسر جهان)، متغیر های اقتصادی و فرهنگی جدید (گردشگری) همگی سبب خواهند شد تنها اکتفا به ابزار دیپلماسی فرهنگی کلاسیک نکنیم (Chaubet, 2013:8). بنابراین در یک تعریف نوین، ما با یک بُعد جدید از پویایی دیپلماسی عمومی و حرکت به سمت یک ساختار افقی روبرو هستیم که مردم در شبکه های بین المللی با استفاده از فن آوریهای جدید ارتباط برقرار می کنند (Tago, 2017:3)، پویایی که می تواند نشان دهنده موضوع دیگری باشد و آن انتظار ورود بازیگران جدید در این فرایند و روندهاست.

در این بین اما قدرت فرهنگی ایران اساساً بیشتر از آنکه سخت باشد نرم است، به ویژه در سالیان پس از انقلاب اسلامی که با تغییر بنیادین گفتمانی همراه بود این موضوع بیشتر مشهود است آنجا که انقلاب اسلامی ایران از همین دیدگاه، یک انقلاب فرهنگی محسوب می شود. از سوی دیگر هر چند که در مقایسه با سایر کشور های همجوار و همپراز، ایران به اجبار از توسعه فرهنگی متکی بر اقتصاد و صرف بودجه کلان به دور بود اما باید اذعان نمود قدرت فرهنگی ایران به صورت ریشه ای با قدرت نرم قرابت بیشتر دارد. موضوعی که در کنار ضعف های مدیرتی بحران کرونا در کشور های حتی با شاخص های اقتصادی و مالی معتبر می تواند اهمیت قدرت نرم را در توفیقات کشور ایران بیش از گذشته برجسته نماید. اتکا به هنر اسلامی و ایرانی، گفتگوی ادیان، گسترش زبان فارسی، راه اندازی شبکه های خبری و گسترش روابط با کشورها اسلامی و نیز با وجهه

انقلابی مانند برخی کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی را می توان گوشه ای از این راهبرد فرهنگی ایران در عرصه بین الملل دانست که البته همه اینان بر یک گفتمان واحد از سوی متولیان امر تعریف می گردد. نظیر ایده " تمدن نوین اسلامی " در مقابل " نظم نوین جهانی " که از همین قبیل سیاستهای فرهنگی بین الملل نشات می گیرد و به عنوان یک نقشه راه نیز در دیپلماسی فرهنگی ایفای نقش می کند، نقشه هایی که بخشهایی از آن در عصر پسا کرونا نیازمند تعریف مجدد خواهد بود. از این منظر در ادامه چند راهکار، ابتکار به عنوان موارد پیشنهادی در این نقشه راه، بیان می گردد.

۱. گفتمان فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی فرآیندی هدفمند بوده و برای تحقق و دستیابی به اهداف تعریف شده تدوین و اجرا می شود، در نتیجه دیپلماسی فرهنگی از روابط و تبلیغات فرهنگی متمایز می شود، چون بر خلاف تبلیغات، هدف دیپلماسی فرهنگی تعامل و در آمیختن با مخاطب است (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱ : ۷۹). بستر این هدف مطمئناً نیازمند یک گفتمان است بدور از هرگونه تبلیغ و تبادل یکسویه. از این حیث تا کنون در عرصه بین الملل گفتمان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر برخی مفاهیمی چون نظریه اساسی " تمدن نوین اسلامی " بوده است اما اکنون و در این شرایط کنونی عصر کرونایی و پس از آن به نظر می رسد برخی جنبه ها و مفاهیم درونی این گفتمانها، می بایست برجسته تر و مورد تاکید بیشتری در مسیر تعاملات فرهنگی بین الملل قرار گیرند.

۱-۱. مفهوم انسان و اجتماع در گفتمان قرآنی

زندگی بشر با ورود کرونا وارد مرحله جدیدی شده است که در این بین، ابعاد انسانی و اجتماعی آن در مقایسه با سایر حوزه ها گسترده تر است چنانچه در تمدن جهانی و در وهله نخست شاهد تغییرات اساسی در تعاریف و مفاهیم اجتماعی خواهیم بود. "کرونا آزمون وضع تاریخی تمدن و فرهنگ مدرن است، کرونا آزمونی برای بنیانهای فکری

پروژه‌ی مدرنیته است" (مصلح، ۱۳۹۹: ۱۹). در ذات این همه‌گیری جهانی آنچه که بیشتر از همه مورد توجه بود فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی متکی بر مدار انسان است، چه در دوران قرنطینه که بسیاری از کشورها گریبانگیر آن بودند و بشر با کاستن از فعالیت‌های اجتماعی خود به مفهوم انسان بیش از پیش نزدیک بود و چه در همبستگی جمعی که به بعد اجتماعی آن مربوط می‌شد، می‌توان گفت بشریت با تجربه و تحول جدیدی روبرو بود، چنانچه در بسیاری دیگر از مفاهیم انسانی و اجتماعی این تجربه نوین بی‌تاثیر نخواهد بود و در تحلیل‌ها و پژوهش‌های آتی مراکز علمی و دانشگاهی مورد توجه خواهد بود. ظرفیت اجتماعی در مقابله با تهدید سلامت آنان، روانکاوی مقوله انسان در هر دو بعد فردی و اجتماعی، خطرات زیست محیطی، اعتراضات اجتماعی، مسئولیت‌های بشری، انزوای اجتماعی، بازگشت به اصالتها، خانواده، فطرت بنیادین بشر، عواطف بشری و بسیاری دیگر، از جمله این مفاهیم خواهند بود که چاره‌اندیشی برای چالش‌های پساکروناوی آن از ذهن مشغولی‌های بشر و به خصوص دولتهاست، ارائه راهکار در مقابله با عوارض این بحران و پدیده اجتماعی علاوه بر سطح ملی، در عرصه بین‌الملل سودمند خواهد بود. در این عصر و در مقابل ادراک و فهم غرب از ارزش‌ها و هویت فرهنگی که در روابط اجتماعی ظهور می‌باید؛ توجه به ارزش‌های فرهنگ اسلامی مبتنی بر هدایت الهی جای تامل دارد. در بحران کرونا یکی از مسائل مهم مسئولیت‌پذیری اجتماعی بود که نشان می‌داد همه انسانها به نوعی مصداق همان اجتماع درون‌کشتی هستند که نمی‌توانند نسبت به امور و احوال یکدیگر بی‌تفاوت باشند. "قران برای امتها سرنوشت مشترک، فهم و شعور، عمل و عصیان قائل است" (طباطبائی ۱۰۲) از همین دست مبانی، مفهوم تعهد و وظیفه‌شناسی در عرصه اجتماع است و اهمیت آن در قرآن کریم که ارتباط بسیاری با دستورالعمل‌های اجتماعی و حوزه سلامت دارد، مصداق بارز قرآنی آیه شریفه "کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتة" (تمامی افراد جامعه نسبت به هم مسئولیت و وظیفه دارند) می‌تواند سرلوحه بسیاری از دستورالعمل‌های اجتماعی باشد. بنابراین ضرورت وحدت بشری و مسئولیت‌پذیری تمامی جوامع بشری نسبت به یکدیگر می‌تواند یکی از گفتمان‌های عرصه‌ی دیپلماسی فرهنگی با

زیر بنای علوم انسانی باشد. این موضوع حتی می تواند در دیپلماسی فرهنگی با دولتهای اسلامی و ملت‌های مسلمان بیشتر مورد توجه قرار گیرد. مسئولیت در برابر فقر و گرسنگی و اهمیت عدالت اجتماعی دیگر موضوع مرتبطی است که با بهره گیری از قرآن کریم می توان در تعاملات، مباحثات و ابتکارات ج.ا. ایران در عرصه فرهنگ بین الملل استفاده نمود. توزیع امکانات، عدم انحصار طلبی و رفع تبعیض با نسخه ی انفاق، مرحم آلام بشری خواهد بود آنجا که در آیات گوناگون احسان و نیکوکاری به یکدیگر مورد تاکید خداوند متعال است.

یکی دیگر از ابعاد بارز همه گیری جهانی کرونا نسبت انسان با طبیعت و محیط زیست است که مورد بحث بسیاری از دانشمندان علمی و پزشکی است که دغدغه آن برای مدت زمان طولانی ادامه خواهد داشت، قرآن کریم نیز در این زمینه اشارات موثری دارد که می توان در این گفتمانها مورد بهره قرار گیرد. مسئولیت پذیری انسان در قبال محیط پیرامون خود از مصادیق مسئولیتها اجتماعی اوست، آلوده کردن محیط زیست، بی پروایی و اسراف در بهره برداری از نعمات طبیعی، بهره نامتعارف از جانداران و نباتات که مانند چرخه ای دوار آدمی را هم فرا می گیرد، تجاوز و تعدی به طبیعت، در قرآن کریم تعبیری جز فساد ندارد چنانچه می فرماید: «و در زمین از پس اصلاح آن فساد نکنید؛ ... و لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف، ۸۵).

اهمیت بهداشت و سلامت فردی و اجتماعی که بنابر نظر قرآن کریم ضامن حفظ جان انسانهاست، در اینگونه از بحرانهای حوزه سلامت دیگر موضوعی خواهد بود که می تواند در گفتمان های دیپلماسی فرهنگی گنجانده شوند. خطاب خداوند به رسول خود در آیه شریفه «وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ؛ جامه خود را پاکیزه ساز.» (مدثر: ۴) می تواند چراغ فروزانی در پیش راه همه جوامع و امت‌های مسلمان باشد. قرآن کریم در زمینه ی بهداشت در پوشش، تغذیه، بدن و سایر امور زندگی انسان به وضوح سخن گفته و آن را از مطالبات و در حد تکالیف شرعی مطرح کرده است (بقره، ۶۰ و ۲۱۹ و مائده، ۹۱). راجع به این رویکرد، دهها آیه در قرآن آمده است که به روشنی در برخی از امور، رعایت بهداشت را لازم می داند. به همین جهت، در سیره نبوی نیز اهتمام جدی در تمام امور

به بهداشت دیده میشود (وحیدی مهرجردی، ۱۳۹۵ : ۲). این موارد تنها نمونه هایی از آیات قران کریم است که می تواند در جهت همان تعاملات دو سویه و گفتمانهای اساسی ج.ا ایران در عرصه فرهنگی و بین المللی و در قالب های گوناگون علمی و هنری مورد بهره برداری قرار گیرد.

۲-۱. نوع دوستی در ادب و فرهنگ ایرانی

ادب و هنر پارسی گنجینه ای سرشار از معارف انسانی و مضامین بشریست. اگر چه این موارد از سرفصل های گفتمان دیپلماسی کنونی ج.ا ایران به حساب می آیند اما تاکید و برجسته کردن موضوع انسان و حس نوع دوستی در این گفتمان عصر پسا کرونا می تواند اثر گذاری این دیپلماسی را تقویت نماید. از این حیث زبان شعرا و حکمای ایرانی می تواند زبان مشترک بین انسانها در امواج گرفتاریهای و سختی های بشری باشند. نمونه اعلامی این ادعا سعدی شاعر پارسی گوی است. نوع دوستی و پدیدار کردن هویت انسانی که از ویژگی های نظم و نثر اوست سبب گردیده تا نگاه انسانی و والای او به بشر از استقبال کم نظیری نزد دولتها و ملتها برخوردار باشد. تشبیه انسانها به مثابه یک تن واحد در نظر او از چنان نفوذ کلامی برخوردار است که هنگامه تلاطم ها و بحرانهای بشری در ذهن و دل هر مخاطب با هر رنگ و نژاد و زبان به زیبایی جای می گیرد تا جایی که سروده های او زبازد عام و خاص اغلب مردمان جهان باشد. مصداق این موضوع و در بحران کرونا استناد نخست وزیر اسپانیا^{۲۵} در سخنرانی تلویزیونی خود بود که با اشاره به شعر معروف سعدی (بنی آدم اعضای یک پیکرند)، خواهان همدلی و اتحاد ملت اسپانیا شد. از این دست سرمایه های ادبی که می توان از اعتبار آن در پیش برد اهداف فرهنگی در دوران پس از کرونا بهره برد بسیار است و مناسبتر اینکه تلفیق این ادب با هنرهای تجسمی و موسیقی می تواند موضوعات مورد تاکید دستگاهها و متولیان دیپلماسی فرهنگی باشند. چنانچه بر اساس یک برنامه ریزی مدون برگزاری کنسرتهای موسیقی

^{۲۵} سخنرانی تلویزیونی پدرو سانچز، آوریل ۲۰۲۰

ایرانی، نمایشگاههای هنری خارج از ایران در دوران پیش رو، حول همین موضوع و بر پایه حکمت و شعر و ادب فارسی با مضامین غنی انسان دوستی، همدلی بشری، عشق و امید، مرگ و زندگی قرار گیرند و نیز حمایت از ترجمه ها، برگزاری نشست ها و کنفرانسها در کشورهای مختلف از سوی متولیان امر حول این موضوع می تواند هدفمند و به فراخور و تناسب نیازهای جوامع عصر پساکرونا بی باشند.

۲. کره مجازی و سایر دیپلماسی فرهنگی

دیوید داژز^{۲۶} استاد دانشگاه سیانس پو^{۲۷} پاریس در اهمیت جایگاه جهانی سازی و در بحبوحه این همه گیری جهانی ابراز می دارد جهانی سازی یک پارادوکس است، زیرا هم زمان ما را قوی تر می کند و هم آسیب پذیر تر. و از این حیث بدل بحران ها به فرصتها می تواند در همه عرصه ها در خور اهمیت باشند. وی در ادامه ابراز می دارد تلخ است که این محاصره ناگهانی جهانی، در حالی که سی سال است که ما جریان و گردش جهانی، تبادلات بشری، سرمایه و اطلاعات را جشن می گیریم در فاصله چند هفته، عمیق ترین مرحله جهانی سازی در تاریخ، اعم از تجاری، مالی یا حتی گردشگری، به یکباره ناگهان فرا می رسد، مرزها یکی پس از دیگری بسته می شوند. چنانچه ملت ها مخفی و خانواده ها محدود می شوند. جریان تجارت منجمد می شود و گردشگری در حالت سکون قرار می گیرد. تقریباً هیچ هواپیما در آسمان باقی نمانده است. اما تنها چیزی که ادامه دارد فقط جهانی سازی فن آوری و اطلاعات است (Djaiz /2020). تجربه ها و عینیت ها نزد اغلب ملتها و دولت ها در ایام محدودیتهای اجتماعی نشان داد ظرفیت و اهمیت فضای مجازی و ارتباطات از راه دور تا چه اندازه مهم است تا بی اغراق بیان داریم در این اثنی کره ی جدیدی در جهان پیرامون ما متولد شد.

تشکیل جلسات اداری و حتی خانوادگی در فضای مجازی، گفتگوهای زنده، انجام برخی امور اداری و اجتماعی به صورت الکترونیکی، آموزش از راه دور در مراکز علمی و

^{۲۶} David Djaiz

^{۲۷} Sciences Po

آموزشی، دور کاری برخی مشاغل، پر کردن اوقات فراغت و سرگرمی با ابزارهای متنوع فضای مجازی، خدمات مجازی برخی مراکز گردشگری و موزه ها، خرید و فروش به صورت آنلاین و نیز فراهم نمودن امکانات کتابخانه ای و مطالعه به صورت مجازی جهت استفاده عموم و... از جمله مواردی در این حوزه فناوری هستند که نشان از یک پتانسیل عظیم دارد و قطعاً در آینده بیشتر مورد توجه دولتها و ملتها خواهد بود. توجه به شبکه اطلاع رسانی، روند افزایش استفاده از اینترنت، رشد چند برابری از نرم افزارهای مرتبط، جلسات و مناظرات و گفتگوی های دوسویه با شکستن انحصار مرزهای جغرافیایی در شبکه های اجتماعی، الزاماتی را در عرصه ارتباطات بین الملل به دنبال خواهد داشت که بهره وری از آن می تواند یکی از اولویتها اساسی دستگاه دیپلماسی فرهنگی هر کشوری باشد.

به اعتقاد نای "سایبر دیپلماسی"^{۲۸} در ساده ترین تعریف "استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعاتی و ارتباطی روز برای تبیین، گسترش و ارتقای سطح اثر بخشی دستگاه دیپلماسی یک کشور در فضای مجازی است در سایبر دیپلماسی مخاطبین اعم از داخلی و خارجی همه از اعضای جامعه اطلاعاتی هزاره سوم هستند، بنابراین فعالانی که در این حوزه اشتغال دارند باید بدانند که مخاطبین آنها یکی یا گروهی از اعضای خانواده او نیم میلیارد نفری کاربران فضای مجازی است" (نای، ۱۳۸۶ : ۸). با این وصف از حجم بالای مخاطب که روز به روز بر تعداد آن نیز افزوده می شود یقیناً فعالیت در عرصه تبادلات فرهنگی بین الملل شکل و رنگ دیگری خواهد داشت و عرصه ای خواهد بود فارغ از محدودیتهای غالب و متکی بر تنوع فرهنگی و قومی جوامع، از این روی فراهم نمودن الزامات فنی، به روز رسانی زیر ساختها، تهیه محتوا و خوراک متناسب با این حوزه ضروری خواهد بود. در این فراسو و این رویکرد آتی استفاده از هنرمندان ایرانی داخلی چه در زمینه آموزش هنرهای مختلف و چه در اجراهای هنری در قالب نمایشگاه مجازی و کنسرت آنلاین و وبینار برای مخاطبین ایرانی، خارجی و غیر فارسی زبانان علاقمند به فرهنگ و هنر ایران، یکی از ابتکارات این حوزه می تواند باشد که به صورت

²⁸ Cyber diplomacy

مدون و با جذابیت‌های بصری و البته سطح مناسب فنی مورد استقبال واقع خواهد شد. برنامه‌های گفتگو محور، همایش‌ها و کنفرانس‌های مجازی با حضور اساتید رشته‌های مختلف در حوزه ادب و فرهنگ نیز از دیگر جذابیت‌های حوزه سایبری است.

آموزش زبان فارسی، تاریخ و تمدن ایران و اسلام، آموزش تدریس زبان فارسی به مدرسین و ارتباط مستمر و بروز رسانی آنان از جهت منابع و روش‌های تدریس، برگزاری کارگاه‌های مشترک، تهیه و تدوین کتابها به صورت دیجیتال و صوتی از دیگر موارد کاربردی هستند که البته نیازمند یک بستر فنی قوی و بومی خواهد داشت. در همه موارد الزامات برند سازی در فضای مجازی با اتکا بر قوانین جمعی و کپی رایت نیز ضروریست چرا که تداوم موفقیت آن، نیازمند یک زیر ساخت متناسب با قوانین بین الملل است. در این باب دو نکته بسیار مهم دیگر که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد یکی اهمیت مخاطب می باشد که دسته بندی آنها بر اساس زبان و دیگر مشخصه‌ها، ارتباط یکنواخت، مستمر و منظم با آنها و در نهایت تشکیل یک بانک اطلاعاتی مخاطبان از ضروریات آنست چرا که همه این پیشنهادات مورد اشاره، بر مدار یک مخاطب منسجم، منتخب و متناسب با هر برنامه است و دوم اهمیت سرعت انتقال و ارتباطات است که بر موفقیت‌های اهداف فرهنگی در فضای غیر فیزیکی می‌افزاید.

در این حوزه و با یک دیدگاه آینده نگرانه و با احتساب روند در پیش رو، ایجاد یک فضای مشترک برای کمک به استعدادهای دیجیتالی فارسی زبان برای خلق راه‌حلهای نوآورانه که بتواند در خدمت دیپلماسی فرهنگی باشد به عنوان یک راهکار پیشنهاد می‌گردد. تدوین یک دستورالعمل واحد در زمینه دیپلماسی فرهنگی از سوی متولیان امر، که می‌توان از آن با عنوان "سایبر دیپلماسی فرهنگی" یاد کرد، در چارچوب و استانداردهای بین الملل در کنار سایر فعالیت‌های فرهنگی کنونی با هدف راه اندازی یک پویای فرهنگی بین المللی می‌تواند به عنوان یک سند و نقشه راه سودمند واقع گردد.

۳. مقابله با ایران هراسی

از سرفصل‌های اصلی دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران، مقابله با پدیده ایران هراسی است، چنانچه این دیپلماسی با استفاده از قدرت نرم خود یکی از راهکارهای جدی با ایران هراسی محسوب می‌شود. ایران هراسی به سیاستهایی اطلاق میگردد که برمبنای «تئوری توطئه» برای رسیدن به منافع خاص علیه این کشور با معرفی کردن ایران به عنوان تهدیدی برای کشوری خاص، منطقه جغرافیایی خلیج فارس، خاورمیانه یا در شکل بزرگتر برای امنیت یا صلح بین‌المللی مطرح میگردد. ایران هراسی اشاره به احساسات مخالف یا مخالفت با سیاستها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران دارد (نرگسی علی پور، ۱۳۹۳: ۱۳). در این باب عرضه و معرفی موفقیت‌ها و چهره موفق داخل ایران به جهانیان با یک ابزار کارآمد متکی بر فرهنگ و ادب ایرانی می‌تواند بسیار موثر باشد و از نفوذ چهره ایران هراسی و لابی‌کشورهایی که در این پروژه سهم اندک است، بنابراین در مقوله ایران هراسی به عنوان یکی از چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران، معرفی دستاوردهای داخلی اهمیتی دوچندان می‌یابد.

در دوران همه‌گیری جهانی کرونا موفقیت‌های نسبی کشور ایران در کنترل و مهار آن به موجب یک نظام کارآمد سلامت‌علی‌رغم تمامی تحریم‌های علمی و پزشکی، همدلی و تعاون بی‌بدیل مردم، تکریم سالمندان و احترام به جایگاه کادر درمان و... در مقابل آنچه که در نظام‌های غربی و برخی کشورها اتفاق افتاد نظیر حجم بالای متوفیان سالخورده، طغیانهای اجتماعی، نافرمانیهای مدنی در برخی ایالات آمریکا و... می‌تواند به عنوان یک مستند در مقابله با هجمه‌های تبلیغاتی تاثیرگذار باشد.

این موارد در کنار معرفی دستاوردهای تحقیقاتی و توانمندیهای علمی کشور ایران در دوران کرونا می‌تواند فضای ایران و اسلام هراسی را تحت تاثیر قرار دهد و معرفی آن به عنوان یک ابزار تبلیغاتی در دوران پسا کرونا در قالب‌های گوناگون و مستند از این حجم ایران هراسی در بین ملتها و به خصوص در جوامع اسلامی خواهد کاست. این دستاوردها و مقابله با این بحران، تبیین شیوه زندگی و اصالت زیست بومی ایرانیان می‌تواند علاوه بر جذب بودن به عنوان یک برند نیز در دنیا معرفی گردد چرا که جاذبه و

برند سازی و ارائه تصویر مدرن در همه ی زمینه ها به عنوان شناسنامه صاحب یک تمدن و ملت و نیز یک دستگاه دیپلماسی از ابزار قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی محسوب می شود و این می تواند همان مطلوبی باشد که جوزف نای بیان می دارد: قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع (نای، ۱۳۸۷: ۲۴).

دولتها برای افزایش قدرت فرهنگی خود به ارائه خدمات انسان دوستانه، مشارکت در جنبشهای صلح طلب و رایزنی فرهنگی در سطح وسیعی میپردازند (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). از این منظر، از دیگر راهکارها حمایت فرهنگی و معنوی در عرصه دیپلماسی فرهنگی است که می توان از نهاد های فعال در مسائل بشر دوستانه، تشکل های مردمی در حوزه سلامت و خدمات اجتماعی به عمل آورد و با در اختیار قرار دادن و اشتراک گذاری تجربیات موفق و الگو های زیست محیطی مبتنی بر زندگی ایرانی و اسلامی در زمان این بحران جهانی، به این مهم دست یافت.

۴. اقتصاد فرهنگی و شرکت های دانش بنیان

اقتصاد فرهنگی با استفاده از منابع و ابزارهای علم اقتصاد به دنبال برجسته سازی روشهای سازماندهی و توسعه فعالیت های فرهنگی است (Grefe, 2010:9). این موضوع البته یک رابطه دوسویه با مقوله اقتصاد دارد که هر دو طرف در نهایت منتفع خواهند بود. فرهنگ و هنر چنانچه به دیده ی صنعت و اقتصاد نگریسته شوند علاوه بر دوام و گسترش می تواند سبک های تعامل و ارتباطات را نیز دچار تحول نماید. در اقتصاد فرهنگی برخی کشور ها نظیر فرانسه، هنر و فرهنگ و محصولات آن به عنوان یکی از پایه های اقتصاد پایدار و از منابع تولید ثروت محسوب می شوند (Barbizet, 2016: 7) و در عرصه جهانی نیز با برند سازی و تبلیغ های خلاقانه به صادرات آن مبادرت می ورزند. سود سرشار از صنعت سینما امروزه در جهان و یا تراکنش های مالی در حوزه صنایع دستی و آثار هنری، تولید اقلام و محصولات فرهنگی با فناوری های دیجیتال شاهدی بر این امر است که در دهه های اخیر و در امر دیپلماسی فرهنگی برخی کشورها، این مسئله با

ایجاد یک فضای رقابتی به شدت تقویت گردیده است. فروش های آنلاین محصولات هنری در سطح جهان نظیر آلبوم های موسیقی، فیلم و سریال های تلویزیونی و صنعت مد، بازار پر سودی است که حتی اگر در انحصار دولت های نباشد اما مالیات بر درآمدی که بر فروش آنها وضع می گردد عایدی سرشاری را نصیب آنان می کند. در دوران پسا کرونا این رویه از اهمیت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار خواهد بود، برای مثال در اغلب کشور های اروپایی و در بجهت کرونای تلاش بسیاری از شرکت های خدمات فرهنگی، هنری و دیجیتال در جهت بروز رسانی خدمات خود مطابق با شرایط قرنطینه، حاکی از آنست شرکت ها چه در داخل و چه خارج رویه ای بر اساس روش نوین در پیش خواهند گرفت و شبکه های فرهنگی این کشورها در خارج از آن به خصوص در امر آموزش و تولیدات دیجیتال به فعالیتهای درآمد زا روی آورده اند که پس از کرونا نیز این روند در کنار روش های مرسوم با قوت بیشتری ادامه خواهد یافت. بنابراین ضروریست در دوران پسا کرونا که اهمیت اقتصاد فرهنگی دوچندان خواهد بود. دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران نیز بتواند در قبال این موضوع تمهیدات لازم را اتخاذ نماید. در این موضوع اما نکته قابل توجه دیگر ورود شرکتهای دانش بنیان در عرصه تجارت فرهنگی و کسب کارهای هنری می تواند باشد که غالباً با حمایت دولتها انجام می گیرد. بحران کرونا در ایران توانست یکی از ظرفیتهای بالقوه عرصه تولید و نوآوری را به منصف ظهور برساند. شرکت های دانش بنیان ایرانی که اغلب با محوریت صنعت و تولید مشغول به فعالیت هستند، توانستند در مدتی کوتاه جوابگوی بخش عمده ای از نیازمندیهای حوزه سلامت باشند و حتی قدم در عرصه صادرات نیز بگذارند. هر چند که سابقه و مدل این چنین شرکتها در این حوزه طولانی نیست اما با توجه به تجربه موفق، به عنوان یک راهکار متولیان سیاستگذاری های فرهنگی بین الملل در ایران می توانند از این پتانسیل در انتفاع فرهنگ از اقتصاد با هدف پایداری و نفوذ گسترده آن بهره مند گردند و با فراهم نمودن زمینه ورود شرکت دانش بنیان در عرصه اقتصاد فرهنگی و تجارت بین الملل به این مهم دست یابند.

درک این مقوله و اقدام در این راستا از سوی دیگر در دوران تحریم های اقتصادی علیه ج.ا.ایران اهمیتی دو چندان می یابد چرا که در شرایط خاص ناشی از تحریم های بین المللی، دیپلماسی فرهنگی در کنار چالشهای موجود و اضافه شدن بحران کرونا، می تواند آنرا به مانند یک فرصت تازه تلقی نماید.

۵. گردشگری سلامت

حوزه توریسم و گردشگری فی ذاته از ارکان دیپلماسی فرهنگی هر دولتی است. ایران نیز به عنوان یک کشور تاریخی و صاحب تمدن از این موضوع مستثنی نیست. گردشگری به عنوان عالیترین ابزار دیپلماسی فرهنگی نقش مؤثری در جهت رسیدن به درک بین المللی و برقراری ارتباط میان مردمان از نقاط مختلف جهان، با زبانها، نژادها، باورها، اعتقادات سیاسی و موقعیتهای اقتصادی مختلف دارد (بصیری، ۱۳۹۲: ۷۹). با پدید آمدن بحران کرونا اما این صنعت ارز آور تقریباً در اکثر کشورها همانند ایران چه در داخل و چه در خارج به حالت تعطیل درآمد. اینکه راهکارها و ابتکارات ایران در دوران کرونا و پس از آن چه می تواند باشد موضوع مفصل دیگری به جهت مطالعه خواهد بود اما از آنچه که مستقیماً به بحران کرونا می تواند مربوط باشد اینست که اولاً به صورت عموم اهمیت موضوع بهداشت و سلامت دو چندان گردیده و سطح آگاهی جامعه در این خصوص ارتقا یافته است. ثانیاً نشان داد در گرفتاریهای بشری و در امر سلامت و همه گیری های جهانی مرزها را نمیتوان بست و دولت ها و ملتها نیازمند تشریک مساعی هستند و دست آخر اینکه برخی کشورهای با اعزام پزشک و متخصص و پرستار به سایر کشورها نظیر اعزام پزشکان و کادرهای درمانی کوبایی به کشورهای اسپانیا، ایتالیا و آندورا، آنها توانستند علاوه بر انتفاع اقتصادی و تبدیل این تهدید به فرصت از این بحران نهایت استفاده را در جهت امیال سیاسی مورد نظر خود به کار برند.

از این حیث کشور ایران نیز با برخورداری از کادرهای مجرب درمانی و پزشکی و نمایش موفقیت آمیز خود در مقابله با این بحران با وجود تحریم های گوناگون می تواند از این پتانسیل بالقوه بهره مند باشد. نمایش این اقتدار و معرفی دستاوردهای آن به خصوص

برای کشورهای همسایه می تواند در امر گردشگری سلامت موثر باشد، امری که تبیین و معرفی دستاوردهای آن بر عهده دستگاه دیپلماسی فرهنگی خواهد بود و این چنین فراهم نمودن زمینه تبادلات و به نوعی صادرات پزشکی و توریسم سلامت که بر جنبه های انسانی و بشری نیز دلالت دارند یقیناً در امر دیپلماسی فرهنگی موثر واقع خواهد شد.

۶. دیپلماسی فرهنگی هوشمند

انطباق هوشمندانه با بحرانها که نشان از انعطاف و سرعت عمل دارد از جمله خلاقیت ها و امتیازات هر حوزه سیاستگذاری محسوب می گردد. دیپلماسی فرهنگی نیز ذیل این موضوع می تواند قرار گیرد، چنانچه نخبگی و هوشمندی خواهد توانست با قدرت سازگاری و به موقع خود در مواجهه با پدیده ها نتایج بهتری را رقم بزند. در این خصوص آینده نگری مبتنی بر یک نظام هوشمند از جایگاه قابل توجهی برخوردار خواهد بود. شیوع کرونا در ذات خود پارامترهای بشر فردا و آینده پیش روی او را متغیر می سازد. از بررسی نیازهای انسان فردا گرفته تا برنامه ریزی و پیش بینی برای آینده انسان همگی در عصر پسا کرونا جلوه ای دیگر خواهند داشت و باید اذعان نمود کرونا دقیقاً به سراغ آینده بشر رفته است، به باور اسکات گالوی^{۲۹}، استاد دانشگاه نیویورک، از منظر آینده نگری، شیوع کرونا تاکنون همچون سایر بحرانها به آینده شکل داده است با این تفاوت که این ویروس، سرعت شکل دهی به آینده را شتابان ساخته است (Galloway, 2020:48) از این روی آینده نگری و آینده پژوهشی مقوله ای بسیار مهم تلقی خواهد شد و بر این اصل، بررسی سناریوهای محتمل و ممکن نشان خواهد داد محیط پیرامون انسان هوشمند تر از گذشته در عصر پسا کرونا خواهد بود و تحولات در سایه هوش مصنوعی صورت خواهند پذیرفت. در سیاستگذاری فرهنگی مطلع بودن از آینده متفاوت، نیازمند یک آینده پژوهشی هوشمند است، چنانچه در وهله نخست

²⁹ Scott Galloway

سیاستگذار باید از وضعیت کنونی خود مطلع شود، بداند نیازمندی های پیرامون او چیست و افق در پیش روی او کجاست و از کدام مسیر طی طریق کند. بشر آینده برای جامعه ی هدف، زین پس یک مخاطب هوشمند خواهد بود.

"از اینکه آموزه آینده از آن هوش مصنوعی و رباتیک خواهد بود و تاجه اندازه در جهان پساکرونا امتداد خواهد داشت در هنگامه کنونی میان دو پاسخ طبیعت گرا و فن گرا واجد احتمالی در نوسان است و هر دو را میتوان از وجوهی، موجّه محسوب داشت اما این دیگر روشن است که در هر یک از دو احتمال، نمیتوان زیرساختهای لازم در علوم محض را مانند دهه های اخیر در حد تقلید اندک و بسندگی به ظاهر علم فرو کاست" (خلیلی، ۱۳۹۹: ۹۶) از این جهت اگر خواسته باشیم برای نمونه تلفیق آینده نگری، هوش مصنوعی و دیپلماسی فرهنگی را در مثالی ملموس یادآور شویم باید گفت، دیپلماسی هوشمند این امکان را فراهم خواهد نمود که بتوان فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی را در خارج از معنای محض آن بررسی نمود و با همنشینی با سایر حوزه ها اتفاقات نوینی را رقم زد. فرض کنیم در عرصه اجتماع، فرهنگ و هویت فردی و اجتماعی که از دیر باز یکی از مسائل مورد بحث بین صاحب نظران فرهنگ و جامعه شناسی بوده است، بخواهیم آنرا در عصر ارتباطات و در قالب فضای مجازی مورد کنکاش قرار دهیم، هویت اصیل یک مخاطب به عنوان طرف تبادل یک فرهنگ بسیار ارزشمند تلقی خواهد شد، از سوی دیگر بسیاری از سازمانها و نهادها در حوزه فرهنگ و هنر و حتی خارج از آن، داده های مخاطبین مختص به خود را دارند، اشتراک و بهره مندی از این داده ها برای انتقال به جامعه مورد هدف، علاوه بر ضرورت علم بینا رشته ای نیازمند یک گزینش هوشمند در جهت شناسایی و تبادل بر حسب سلیقه و ذائقه مخاطب است. عصر کرونا نشان داد سرعت و دقت عمل در این زمینه می تواند یکی از مزیت های هر دستگاه اعم از اقتصادی و اجتماعی و یا فرهنگی باشد. اطلاع رسانی ها، هشدارها و ارسال دستور العمل از راه دور توسط نهادهای دولتی کشورهای مورد حمله این ویروس حاکی از آن است که هوشمندی مبتنی بر آینده نگری در جمع آوری و دسته بندی مخاطبین برای این چنین مواقعی قبل از وقوع بحران، چگونه می تواند قدرت ابتکار عمل و سرعت را

افزایش دهد و با اتخاذ رویکرد آینده نگرانه، با صرف کمترین هزینه تهدیدها به فرصت بدل گردند، از این روی دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر رویکرد هوشمندانه و پژوهش های داده مینا خواهد توانست یکی از امتیازات عصر پساکرونایی به شمار آید که با کمترین مخاطرات و هزینه، جهت یابی و هدف گذاری دقیق، دامنه ی مخاطب گسترده تر به هدف مورد نظر دست یابد. باید اذعان داشت در عصر پیش رو ارکان قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران می بایست به سلاح آینده نگری و هوشمندی تجهیز گردد.

نتیجه گیری:

از مجموع تشریح روند کنونی بشر در حوزه های دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم که منطبق بر جهانی سازی است در یافتیم این روند نسبی است چنانچه به موجب وجود آمدن یک بحران تمامی عناصر اصلی آن دچار تزلزل و دگرگونی خواهد شد. در این رویه قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی که در خدمت سیاستهای اجرایی دولتهاست متأثر از اتفاقات و رویدادهای گوناگون جهان است. شیوع همه گیری جهانی کرونا نیز به مانند یک چالش و تهدید بشری الزاماتی را به همراه دارد که به زعم صاحب نظران فرایند های پیش فرض را مختل می نماید. در این مقاله ضمن بر شمردن ویژگی های قدرت نرم، جهانی سازی و نظم نوین جهان حاکم، اشاره داشتیم که در این عرصه پارادایم های کنونی در عصر پسا کرونا دیگر به شکل سابق نخواهد بود و اساسا جهان نیز به وضعیت گذشته بر نخواهد گشت. این چنین در نیاز به بازتعریفها به ضرورت رسیدیم و در حوزه دیپلماسی فرهنگی نیز آنرا اجتناب ناپذیر می دانیم و با نگاه تبدیل تهدیدها به فرصت به چند موضوع به عنوان ابتکار و پیشنهاد در مقابل این چالش اشاره نمودیم. گفتمان فرهنگی متأثر از فرهنگ ایرانی و اسلامی با تمرکز بر موضوع انسان و اجتماع، اهمیت فضای مجازی و بهره گیری از آن و سپس استفاده از این موقعیت برای مقابله با ایران هراسی در عصر پسا کرونا از جمله این موارد بودند. سپس با تاکید بر ضرورت تعمیق پیوند اقتصاد و فرهنگ به موضوع گردشگری سلامت به عنوان یکی از زیر ساختها مهم دیپلماسی فرهنگی پرداختیم و در ادامه یکی از سرفصل ها نوین دیپلماسی فرهنگی در

عصر پساکرونایی را مورد بررسی قرار دادیم آنجا که در گذار از بحران و چشم انداز پیش رو، دیپلماسی فرهنگی مستلزم آینده نگری بر اساس آینده پژوهی است و ضرورت بهره گیری از هوشمند سازی و مقوله بینا رشته ای در امر فرهنگ بین الملل بیش از هر زمان دیگری احساس می شود

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۶). «تغییر در فرهنگ سیاست خارجی؛ بازیابی جایگاه فرهنگ در سطوح سه گانه سیاست خارجی»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی، رویکردی ایرانی، تهران: الهدی.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۹). « مؤلفه های نوین دیپلماسی عمومی مدرن و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی. مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۱.
- بصیری، محمد علی (۱۳۹۲). «نقش گردشگری دینی در دیپلماسی فرهنگی و وحدت جهان اسلام»، فصلنامه پژوهشهای روابط بین الملل، دوره نخست، شماره ۱۰.
- خلیلی، اسماعیل (۱۳۹۹). «نوشتن و گفتن، فهم تاریخ حین وقوع؛ آموزش و پرورش، آموزش عالی و شرایط اضطراری کنونی در ایران». مجموعه مقالات: جستارهایی در آموزش عالی علم و بحران کرونا در ایران، میرزایی حسین، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال و فیروزی، علیرضا (۱۳۹۱). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول گرایی»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شمار ۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره چهارم، شماره ۴.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۹). «کرونایی شدن آموزش عالی و سناریوهای آینده»، مجموعه مقالات: جستارهایی در آموزش عالی علم و بحران کرونا در ایران، میرزایی حسین، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- طباطبائی، تفسیرالمیزان، جلد ۴.
- ماحوزی، رضا (۱۳۹۹). «ما در میانه حسرت بازگشت به گذشته و تمهید شرایطی برای آینده آموزش و علم و فناوری»، مجموعه مقالات: جستارهایی در آموزش عالی علم و بحران کرونا در ایران، میرزایی حسین، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- مایلی، محمدرضا؛ مطیعی، مریم (۱۳۹۵). «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، شماره ۳۵.
- مصلح، علی اصغر (۱۳۹۹). «جایگاه قدرت و فن آوری در مدیریت بحران کرونا»، مجموعه مقالات تأملات فلسفی درباره بحران کرونا، پژوهشکده علوم انسانی مطالعات فرهنگی.
- نای، جوزف (۱۳۸۶). «فرهنگ و قدرت نرم در عصر ارتباطات»، علی صباغ، فصلنامه علوم سیاسی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شماره ۳۱.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). «قدرت نرم، سیدمحسن روحانی - مهدی ذوالفقاری، دانشگاه امام صادق».
- نرگسی علی پور، زهرا (۱۳۹۳). «اندیشه ایران هراسی و بازتولید آن در سیاست خارجی امریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- وحیدی مهرجردی، شهاب الدین (۱۳۹۵). «پیوند بهداشت و عبادات در قرآن و روایات»، فصلنامه مطالعات قرآنی دانشگاه میبد، سال پنجم، شماره ۱۱.
- Aron, Raymond (1962). *Paix et guerre entre les nations*, Paris, Calman-Lévy.
- Audoin-Rouzeau, Stéphane (2020). « Coronavirus : c'est comme pour la Première Guerre mondiale », Disponible sur <https://www.lalibre.be/planete/sante/coronavirus-c-est-comme-pour-la-premiere-guerre-mondiale-tout-le-monde-la-prevoyait-mais-personne-n-a-reconnu-le-declencheur-de-la-crise-5ea076789978e21833b43769>
- Habiballah, Bachir, (2020). « Le Coronavirus : La fin de l'Union européenne, vers un nouvel ordre mondial, une opportunité pour l'Afrique et pour le Proche-Orient », *Le Quotidien*, Disponible sur <https://tribune-diplomatique-internationale.com/le-coronavirus-la-fin-de-lunion-europeenne-vers-un-nouvel-ordre-mondial-une-opportunite-pour-lafrique-et-pour-le-proche-orient/>
- Barbizet, Patricia, (2016). « L'empreinte économique de la culture », Les 16e Rencontres Economiques d'Aix-en-Provence : Session 24.
- Bruckner, Pascal, (2020). « La mondialisation ne sera plus la même, après la crise du coronavirus », Disponible sur <https://www.europe1.fr/societe/coronavirus-pour-pascal-bruckner-la-mondialisation-ne-sera-plus-la-meme-3960286>
- Chaubet, François (2013). « Rôle et enjeux de l'influence culturelle dans les relations internationales », *Revue internationale et stratégique*, n° 89.

- Cohen-Tanugi, Laurent (2020). « La crise du Covid-19 nous rappelle brutalement à l'impératif de la coopération internationale et du multilatéralisme », *Les échos*, Disponible sur <https://www.lesechos.fr/idees-debats/cercle/opinion-covid-19-le-multilateralisme-en-sortira-t-il-rehabilite-1196758>
 - Courmont, Barthélémy (2018). *Quelle évolution de la notion de puissance et de ses modes d'action à l'horizon 2030, appliquée aux États-Unis, à l'Europe et à la Chine ?*, Paris, Iris.
 - Djaïz, David, (2020). « Coronavirus : pour une nouvelle architecture de la mondialisation », Disponible sur <https://www.marianne.net/debattons/billets/coronavirus-pour-une-nouvelle-architecture-de-la-mondialisation>
 - Le monde, (2020). « Après la pandémie liée au coronavirus : un ordre mondial à réinventer », Disponible sur https://www.lemonde.fr/idees/article/2020/04/30/apres-la-pandemie-liee-au-coronavirus-un-ordre-mondial-a-reinventer_6038253_3232.html
 - Galloway, Scott (2020). Coronavirus Pandemic is Reshaping Higher Education. Business Insider. Available at: <https://www.businessinsider.com/scott-gallowaycoronavirus-pandemic-reshaping-higher-education-universities-may-close-2020-4>
 - Greffe, Xavier (2010) « Introduction : L'économie de la culture est-elle particulière ? », *Revue d'économie politique*, 2010/1 (Vol. 120).
 - Hobbes, Thomas (1971). *Traité de la matière, de la forme et du pouvoir de la république ecclésiastique et civile [1651]*, Paris, Sirey.
 - Huntington, Samuel P. (2000). *Le choc des civilisations*, Paris, Odile Jacob.
 - Mahbubani, Kishore, (2020). « Covid-19 : la réponse incompétente de l'Occident face à la pandémie va accélérer le transfert de pouvoir vers l'Est », Disponible sur <https://www.financialafrik.com/2020/04/22/covid-19-la-reponse-incompetente-de-loccident-face-a-la-pandemie-va-acceler-le-transfert-de-pouvoir-vers-lest/>
 - Malone, Gifford (1988). *Political Advocacy and Cultural Communication*, University Press of America.
 - Martel, Frédéric (2012), « Le soft power à l'âge du tout médiatique », Disponible sur <https://www.franceculture.fr/sciences/le-soft-power-lage-du-tout-mediatique>
 - McEwen, Laurel Midol, Nancy (2017) « Hybridations ontologiques de pratiques de conscience sous l'effet de la mondialisation », *Staps*, 2017, n° 117.
 - Pivetta, Frederic et Colmant, Bruno (2020). « Le monde d'hier, la guerre mondiale et le monde de demain », Disponible sur <https://www.lecho.be/dossiers/coronavirus/le-monde-d-hier-la-guerre-mondiale-et-le-monde-de-demain/10221325.html>
 - Tago, Atsushi (2017). *Public Diplomacy and Foreign Policy*, London, The Oxford University Press.
- سایت های اینترنتی
- Chirac, Jacques, (2003), Disponible sur ladocumentationfrancaise.fr
 - Chirac, Jacques, (2004), Disponible sur peopledaily.com
 - elysee.fr
 - ledroit.com, www.ledroit.com/actualites/monde/le-coronavirus-plus-grand-defi-depuis-la-deuxieme-guerre-mondiale-dit-merkel-76d3ff780d7bc9c9cfd3f30d4a73ad2
 - rtbf.be, www.rtf.be/info/monde/detail_boris-johnson-compare-la-lutte-contre-le-coronavirus-a-la-deuxieme-guerre-mondiale?id=10497943
 - www.who.int